

روابط عمومی در ایران باستان

آن زمان که انسان زندگی قبیله ای را آغاز کرد دود، آتش و شاید هم از زمانی که مهاجرات های عظیم نوع بشر شروع شد؛ از دول بزرگ تاریخ و کشورگشایان نامی حکایاتی بما رسیده است که نشان می دهد روابط عمومی با تفاوت های اندک و تحت عناوین مردم داری و امثال آن مورد استفاده آنان بوده است.

بشر از آن زمان که به توسعه تمدن خود پرداخت؛ نیازمند به همکاری و ارتباط با دیگران شد و دامنه دار شدن امور شهر نشینی و یا بهتر بگوییم گسترش شهرنشینی مستلزم ایجاد تشکیلات و سازمانهایی برای استفاده صحیح از منابع و افراد بود. بدین جهت گروهها و دسته های مختلفی تشکیل شدند که منافع و فعالیت های آنها نسبت به گروه های دیگر گاهی موافق و گاهی مخالف بود. برای حل این اختلافها یا با یکدیگر به منازعه و پیکار می پرداختند و یا اینکه قرارها و مقرراتی منعقد و وضع می نمودند.

البته حدود این قراردادها مشخص نبود؛ از این رو داشتن ارتباط و سعی در ایجاد نگه داشتن حسن تفاهم از زمانهای دیرین شرط اساسی سازش و توافق میان گروه ها و ملت های مختلف بود و بشر از آغاز تاریخ کوشش می کرد، که وسایلی برای ایجاد ارتباط و تفاهم با دیگران بدست آورد و از کلیه علوم و فنونی که در اختیار داشت بدین منظور استفاده می کرد.

مهمترین نمونه عالی از وسایل ارتباطی در ایران باستان که برای ایجاد حسن تفاهم و به منظور روابط عمومی بکار رفته است کتیبه ی بیستون شاهنشاه هخامنشی است که بر صخره های کوه بیستون نقش بسته است. داریوش اول اصلاحات عمده ای را در روش های اداره مملکت صورت داد و این اصلاحات منجر به تشکیلات کشوری و تنظیم مالیات و ایجاد خطوط ارتباطی شد. و در این زمان داریوش برای مطرح شدن روش هایش برای اولین بار یک برنامه بزرگ روابط عمومی را به منظور نشان دادن کارهای خود به عموم افراد ملتهای تابع ایران و ایجاد حسن تفاهم در آنها اجرا کرد و در این راه از بهترین وسائلی که آن زمان وجود داشت استفاده کرد. او فرمان داد به صخره های بلند کوه بیستون که چشمه های دامنه های آن محل اطراق کاروانیان ملتهای بزرگ آن زمان چون آشوری ها، بابلی ها و ... بود کتیبه ی مفصلی به سه زبان معروف آن عصر یعنی پارسی قدیمی، ایلامی و بابلی بنویسند و نسخه هایی از آن را نیز به زبانهای مختلف به کلیه کشورهای تابع ایران ارسال کنند تا مطالب آن در سراسر نقاط ایران بزرگ پخش شود. در واقع این کتیبه مانند یک روزنامه دیواریست که در آن زبان جای سایر وسایل امروز روابط عمومی از قبیل جراید، تلویزیون، فیلم و .. را گرفته است.

داریوش اول برای معرفی خود و عملکرد شاهنشاهی خویش کتیبه های را آماده می کرد که در این کتیبه ابتدا داریوش خود را معرفی کرده و می گوید « منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر وی شاسب، نوه آرشام هخامنشی ». سپس ۲۳ مملکتی را که تحت حکومت شاهنشاهی ایران بودند نام می برد و می گوید در این ممالک هر مردی را که دوست بود بسیار نواختم و با آنکه دشمن بود سخت کیفر دادم به فضل اهورامزدا این ممالک قوانین مرا، مجری داشتند و همچنان که امر کردم، رفتار نمودند.

بعد از آن داریوش شرح سرکوبی گئوماتای غاصب و هر یک از کسانی را که در اطراف ایران به شورش برخاسته بودند با ذکر تاریخ و وقایع دقیق آنها بدون هیچگونه اقرار بیان نموده و گفته است: به فضل اهورامزدا کارهای بسیار دیگر نیز کردم که در این کتیبه ننوشتیم و از این جهت ننوشته ام تا آن کسی که بعدا این نوشته را میخواند نپندارد که این کارها خیلی زیاد است و آنرا باور ندارد و دروغ بداند اکنون با تو باور داشتی آنچه را که کردم پس آنرا پنهان مدار اگر پنهان مداری و به مردم بگویی اهورامزدا تو را یاری کند و دودمان تو پاینده و عمرت دراز دارد. آنچه من از جزی و کلی کردم، به اراده اهورامزدا بود، اهورامزدا من را کمک کرد و ایزدان دیگر نیز، زیرا چه من، چه دودمانم نه بد قلب بودیم و نه دروغگو و نه بی انصاف. من موافق حق و عدالت سلطنت کردم، نه بنده ای را آزردم و نه مردم ضعیف را، مردمی را که دودمان مرا یاری کرد نواختم و آن را که بدی کرد فشردم. بدون شک در آن روزگاران برنامه ی بهتر از این برای ایجاد حُسن تفاهم، در عموم افراد و آشنا ساختن آنها به اسلوب یا روش جدیدی اداره امور کشور؛ وجود نداشته و این نوع اطلاع رسانی و شرح حال امور در دنیای باستان؛ بی نظیر به نظر می رسد بر همین اساس این نمونه برجسته ای از اقداماتی است که در دنیای قدیم به منظور روابط عمومی به عمل می آمده است.

داریوش پادشاه هخامنشی برای حفظ ارتباط و رسانیدن اخبار لازم به عموم مردم که مهمترین اصول روابط عمومی است دست به اقدامات مهمی در دوران باستان زد که در زیر به آنها اشاره می شود.

۱ - برای نخستین بار چارپاخانه هایی (چهارپاخانه هایی) در سراسر ایران دایر کرد که در آنها همیشه اسبهای تازه نفس حاضر بودند و به محض آنکه چارپا حامل پیام به آنجا می رسید فوراً اسب خود را عوض می کرد و به حرکت ادامه می داد. بدین ترتیب پیام مورد نظر به سریع ترین طرز ممکن تا دور افتاده ترین نقاط ایران ارسال می شد.

۲ - داریوش یک شبکه مخابراتی با استفاده از وسایل موجود آن زمان برای فرستادن پیامهای کوتاه و فوری بوجود آورد. این پیامها بوسیله علائمی که با ایجاد دود در روز و آتش در شب بر روی ارتفاعات داده می شد به سرعت منتقل می شد و به نقاط دور دست کشور می رسید.

۳ - داریوش با وجود فقدان چاپ و کاغذ و سایر وسایل پخش اخبار در آن روز مطالب مورد نظر خود را بطور بخش نامه مانند، به اطلاع کلی نواحی تابع ایران می رساند و برای این منظور از لوحهای فلزی که با خط میخی بر روی آنها نوشته می شد استفاده می کرد. مثلاً" پس از اقداماتی که در سه سال اول سلطنت خود برای فرو نشاندن شورشهای ناشی از حکومت گئوماتای غاصب و برقراری حق و عدالت به عمل آورد فرمان داد شرح جامعی درباره این اقدامات در لوحهای فلزی نوشته و به کلیه نواحی ایران بفرستند تا عموم افراد کشور از آن آگاه شوند و حُسن تفاهم و همکاری لازم در آنها بوجود آید.

۴ - وسیله دیگری که داریوش برای این منظور بکار برد، کتیبه ی بیستون است. همانطور که گفتیم داریوش فرمان داد شرح فتوحات و یا فتح ها و سرکوبی شورشیان و نظم و نسخ جدیدی را که پدید آورده بود را بر صخره های بلند کوه بیستون کتیبه کنند و پیکر او را نیز با ۹ نفر از سرکردگان شورش که به فرمان او گردن نهاده بودند بر بالای آن کتیبه حجاری نماید. قابل ذکر است که داریوش در عرصه روابط عمومی ایران کارهای بسیاری کرده است که حتی بعد از او نیز دولت ها و قومهای مختلف هم استفاده می کردند و حتی در دوره ای ساسانیان از وسایل روابط عمومی که داریوش بوجود آورده همچنان استفاده می شد. که در قسمتهای بعدی به شرح مفصلی از آن خواهیم پرداخت.

روابط عمومی در دوره ساسانیان

برای اولین بار داریوش پادشاه هخامنشی روابط عمومی را در ایران گسترش داد و در دوره های بعدی نیز از امکاناتی که این پادشاه فراهم کرده بود استفاده می کردند.

در دوره ساسانیان چارپاخانه ها همچنان برقرار بود و خلفای اسلامی نیز از آن تقلید کردند، کتیبه های بسیار نیز در دوره ساسانی نزدیک محل عبور کاروان ها یا مراکز اجتماع مردم نقش گردید. هر چند از لحاظ تفصیل مطالب و اهمیت آن به پای کتیبه بیستون نمی رسید ولی هنرهای خاصی در تهیه آن بکار رفته بود. کتیبه های این دوره بیشتر به صورت پوستر مصوری است که با بهترین امکانات آن زمان تصویر شده و موضوع های واحدی را از قبیل تاج گذاری اردشیر(در نقش رستم) و یا طرز زندگی خسرو پرویز (طاق بستان) با مهارت بسیاری به طور گویا و بدون آنکه احتیاج زیادی به استفاده از متن داشته باشد نشان میدهد. ضمناً" در دوره ساسانیان خط و کتابت در ایران توسعه و پیشرفت بسیار یافته بود و علاوه بر سه طبقه رسمی جامعه که روحانیان، جنگ آوران و کشاورزان بودند طبقه چهارمی به نام دبیران به وجود آمده بود. رئیس این طبقه دبیربذ نام داشت و جزء مقربان شاه بود. کار این طبقه عبارت از این بود که نام ها و پیام های دستگاه های دولت و یا اشخاص را به طرز مؤثر و مفهوم با

رعایت اصول ادبی و هنری تهیه و تنظیم می کردند. دبیران نقش بزرگی برای حُسن تفاهم میان افراد مختلف و همچنین میان دستگاههای حکومت و عموم مردم را برعهده داشتند.

وسیله دیگری که در زمان ساسانیان از لحاظ روابط عمومی مورد استفاده قرار می گرفت، جشن ها و مراسم مذهبی بود. چنان چه که می دانیم ایرانیان در زمان ساسانیان جشنهای طولانی برپا می کردند. هر سال شش عید به نام گاهنبار داشتند که برای هر یک از آنها پنج روز جشن می گرفتند. علاوه بر این هر یک از روزهای ماه نامی داشتند که نام ۱۲ روز اول آن مطابق نام ماههای سال بود و در هر ماه وقتی نام روز مصادف با نام آن ماه می شد جشن می گرفتند.

مهمترین جشن ها نوروز، مهرگان، سده، آذرچشن و هار جشن بود و اعیاد دیگری نیز از قبیل خرم روز (در اول دی)، سیرسور (مخصوص خوردن سیر و شراب) و آبریزگان (در سی بهمن) برقرار بود.

در این جشن ها که با مراسم مذهبی همراه بود معمولاً بارعام (یعنی عامه مردم) ضیافت های عمومی برپا می کردند. سرودهایی در توصیف اقدامات نیک شاه می خواندند و مُوبد بزرگ نطقی می کرد که در آن فرمان های شاه را برای مردم بیان می نمود. همچنین پادشاه و حکمرانان از این جشن ها برای تماس با مردم و ایجاد حُسن تفاهم با آنها استفاده می کردند. یکی از کارهای مشهوری که در دوره ساسانیان انجام داده می شد این بود که در جشن خرم روز (اول دی) شاه از تخت به زیر می آمد و لباس سفید می پوشید و به روی فرش های سفید می نشست و آنگاه عموم دهقان ها و طبقات مختلف مردم را به حضور می پذیرفت و با آنها به سخن گفتن می پرداخت.

در آغاز این جشن معمولاً "شاه می گفت: "امروز من چون یکی از شما هستم، و با شما برادر هستم، زیرا قوام جهان به آبادانیست که در دست شماست و قوام آبادانی به پادشاه است و هیچ یک از این دو جدا از هم نتواند.

در این نوشته فقط به نقش روابط عمومی در این دوران اشاره خواهد شد و از نظر اقدامات مرتبط با روابط عمومی، این دوران مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در دوره اسلامی نقش روابط عمومی را تا حدی شاعران ایفاء می کردند که در قصائد خود اقدامات نیک پادشاهان را می ستودند و خواسته های مردم را نیز به گوش پادشاه می رسانیدند. این اشعار سینه به سینه می گشت و در همه جا پراکنده می شد. در دربار بعضی از پادشاهان مانند سلطان محمود غزنوی، برای شعرا و وظیفه ای که از لحاظ روابط عمومی برعهده داشتند، قدر و منزلت زیادی قائل بودند و ملک الشعراء در واقع به جای رئیس روابط عمومی آن زمان بود.

واعظین و اهل منبر نیز تا حدی وظیفه روابط عمومی را انجام می دادند. آنها به نام حکمران و سلطان وقت خطبه می خواندند و منظوره‌های حکومت را به گوش مردم می رسانیدند.

در زمان صفویه که ترویج مذهبی مورد توجه قرار گرفت، واعظان نقش بزرگتری پیدا کردند و اقدامات حکومت را از لحاظ حمایت و تقویت مذهبی نیز مورد بحث قرار می دادند. در دوران صفویه از جارچیان نیز جهت اعلام خبرهای مورد نظر حکومت استفاده می شد و منصب جارچی، جزء مناصب رسمی حکومت بود.

وسایل و تشکیلات که برای امور روابط عمومی در دوران صفویه وجود داشت مانند سایر تشکیلات حکومتی و اجتماعی دیرین تا زمان قاجاریه همچنان ادامه یافت و هیچگونه تغییر اساسی در آن پدید نیامد.